

# به سوی چالش به جستجوی خجسته‌های در باب در باب مستند صنعتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مهندس محمدحسن عرفانیان اسپایی

فیزیکی را مستند کند، ما این فیلم را نمی‌توانیم مستند صنعتی به حساب بیاوریم. البته شاید این نگاه، از دید برخی یک نگاه حداکثری و یا کمال‌گرایانه به‌شمار آید، اما من به‌عنوان یک مدیر صنعتی قرار است نقطه‌نظر خودم را بگویم، و قرار نیست که در مقام مورخ سینما اظهارنظر کنم، که در آن صورت شاید فیلمی که از حداقل استانداردها در دیدگاه ما برخوردار است، فیلم مستند صنعتی به حساب آید، کما این‌که بسیاری از نویسندگان سینمایی چنین برخوردی را در نوشته‌های خود دنبال می‌کنند.

حال با این نوع نگاه ببینیم فیلم مستند صنعتی چه خصوصیتی می‌تواند داشته باشد؟ ببینید! در صنعت قرار نیست که یک غیرمتخصص بیاید و به یک کار تخصصی بپردازد. در نتیجه به چیزی می‌توانیم بگویم مستند صنعتی که یک متخصص صنعتی هم وقتی به مدارک خود مراجعه می‌کند، نمی‌تواند متوجه بشود این مقوله چگونه بوده است. به عبارت دیگر ما انتظار نداریم که یک غیرمتخصص وقتی وارد صنعت می‌شود، از صنعت همان برداشتی را بکند که مورد نظر ما صنعتگرهاست. حال در این‌جا اگر یک متخصص وارد صنعت بشود و با نگاه به مدارک و با بررسی واقعیت موجود و فیزیکی، پی به آن چیزی ببرد که مدنظر ما هست، به معنای مستندسازی نیست، زیرا تمام مدارک در بایگانی آن صنعت موجود است و شکل و شمایل، فرآیند تولید، تغییرات تکنولوژیک و مانند این‌ها چیزی نیست که برای اصحاب خود آن صنعت پنهان باشد (و بنابراین مستند کردن همه این شواهد و مدارک واقعی و موجود را نمی‌توان مستندسازی به معنای دقیق کلمه اطلاق کرد). در برابر، آن چیزی یک مستند صنعتی به‌شمار می‌آید که اگر همه متخصصان صنعتی هم جمع بشوند، نتوانند به آن مقوله پی ببرند.

### مقدمه

از من خواسته شده که با توجه به نقشی که در تأسیس حمایت و هدایت مرکز مستندسازی فولاد مبارکه داشته‌ام و با توجه به حضور در ترکیب هیئت داوران سومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه اصفهان، نقطه‌نظرات خود را قلمی نمایم. البته ورود به چنین بحثی به این خاطر که امر مستندسازی در صنعت، به جوانب و عوامل مختلفی ارتباط می‌یابد، سبب می‌شود که وارد حیطه‌های گوناگونی بشویم که امیدوارم به نحو مطلوبی به این مطالب بپردازم.

### مستند صنعتی چیست؟

من فکر می‌کنم ابتدای هر کاری باید با شناخت آن شروع شود، یعنی این‌که ما باید ابتدا تعریفی از فیلم مستند صنعتی داشته باشیم و آن‌گاه به این امر بپردازیم که چه چیز مستند صنعتی هست و چه چیز نیست.

ما در صنعت چیزهایی داریم که شکل فیزیکی پیدا کرده و هر غیرمتخصصی با نگاه کردن به آن صنعت و یا با مراجعه به مدارکی که در آن صنعت هست می‌تواند آن را درک کند. حال اگر یک فیلم‌ساز بیاید همین شکل

مثالی می‌زنم: اهرام ثلاثه را همه دیده‌اند و درباره آن اسناد و شواهد زیادی در دست هست، اما یک مستند واقعی (که از سطح فراتر برود) آن نوع فیلمی است که بتواند آن مبانی اندیشگی و فلسفی را و آن تکنولوژی خاص آن زمان را در یک قالب سینمایی متجلی بکند. چنین فیلمی مستلزم پی‌جویی جدیدی در تاریخ، تکنولوژی، فرهنگ و فلسفه آن سرزمین است. مثال‌های زیاد دیگری در عرصه‌های گوناگون حیات گیاهی، جانوری روی کره زمین، و در عین حال فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و... می‌توان زد که به این نحو با قضیه برخورد کرده باشند و نمونه‌های چنین برخوردی را به فراوانی در آثار خوب مستند که در تلویزیون خودمان هم به‌نمایش درآمده می‌توان زد. با چنین درک و دریافتی بود که من به اتفاق همکارانم سهراب فرسیو و احمد ضابطی (جهومی) در هیئت داوران سومین جشنواره جهانی فیلم کوتاه اصفهان، فیلم‌ها را داوری کردیم و با چنین درک و دریافتی برداشت غالب ما این بود که هنوز تارسیدن به معنایی که از مستند صنعتی مراد کرده‌ایم، فاصله بسیاری هست.

### اعتراف به جهل و ضرورت جست‌وجوی پیش‌تر

رمز هر گونه کسب علم، اعتراف به ندانستن است. اما متأسفانه به واسطه یک مشکل دیرینه فرهنگی در میان ملت ما، کلمه نمی‌دانم در قاموس ما وجود ندارد. گویی همه، در هر امری از همان بدو ورود، کار را با می‌دانم آغاز می‌کنند. همه‌مان فی‌ذاته نخوانده ملا هستیم. درست به همین دلیل پروسه رسیدن به می‌دانم بسیار طولانی طی می‌شود، و برعکس اگر هر کاری با نمی‌دانم شروع شود، همین نمی‌دانم آغاز رسیدن به می‌دانم است و در نتیجه پروسه نمی‌دانم بسیار سریع‌تر طی می‌شود.

مهندس محمدحسن عرفانیان: واقعیت این است که برای ورود عرصه فیلم مستند صنعتی باید شناختی و معرفتی در باب خود صنعت و رابطه آن با مقولاتی از قبیل فرهنگ، علم و تکنولوژی داشت

برای ملموس‌تر شدن این قضیه که به‌ظاهر ساده می‌نماید، مثالی می‌زنم: در سال ۵۹ جنگ شروع شد و تنها راه‌حل برای ما ایستادگی بود تا پای جان. به این دلیل در تمام دوران جنگ تحمیلی، کلماتی مانند ایثار و شهادت به فراوانی به‌کار رفت، کلمات مقدسی که در آن‌ها رمز پیروزی ما نهفته بود و اساساً همین‌ها باعث توفیق ما در آن عرصه شد. اما یک نکته انحرافی این بود که این کلمات به‌طور کامل، توسط همگی درک نشده بود: هر کس، هر کاری را که در این راه انجام می‌داد و یک ذره خلاف عادتش بود، «ایثار» و «فداکاری» خطاب کرد. به‌طور مثال اهواز شهری بود که پس از فتح خرمشهر در محاصره نبود و زندگی عادی در آن جریان داشت. بنابراین رفتن به شهری مانند اهواز و تعمیر ادوات جنگی، شستن پتوهای خونی، بسته‌بندی کمک‌های اهدایی برای رزمندگان و مانند این‌ها، لزوماً به معنای ایثار و فداکاری نبود. در آن دوران بسیاری از پرسنل فولاد مبارکه به اهواز رفتند و چنین کارهایی را

جمع‌بندی می‌کنیم: «تکنولوژی هنر به‌کارگیری علم است، محصول تکنولوژی صنعت است و خود این صنعت ابزار اعتلای فرهنگ است».

حال با نگاهی به وضعیت کشور خودمان می‌توانیم چنین وضعیتی را ترسیم کنیم: پس از قرن سیزدهم هجری (هجدهم میلادی) ما، هنر به‌کارگیری علم را از دست داده‌ایم، این وضع هم چنان در شاکله علم، تکنولوژی، صنعت و فرهنگ ما مشاهده می‌شود. علمای ما به‌جای به‌کارگیری علم، تنها آن را می‌خوانند. به همین دلیل است که ما در همه این عرصه‌ها هنوز تنها واردکننده هستیم: واردکننده علم، واردکننده تکنولوژی، واردکننده صنعت و واردکننده فرهنگ. رمز تفوق جامعه غربی، و علت محاط شدن ما در محیط و اتمسفر فرهنگ و تمدن غرب همین است که هنوز نتوانسته‌ایم هنر به‌کارگیری علم را در خود نهادینه کنیم. شما می‌دانید که یک هنرمند خارج از باورهایش چیزی را خلق نمی‌کند. او باید آنچه را که می‌خواهد خلق کرده و تجلی ببخشد، از پیش آن را - در ذهن - ببیند و لمس کند، و این عمل مستقیماً به باور او مربوط می‌شود. رابطه علم و هنر، صنعت و هنر، از این‌جا قابل فهم و دریافت است، و من در این اندیشه‌ام که این خود هنرمندان‌اند که می‌توانند به دانشمندان ما راه را نشان دهند که مشکل اساسی فرهنگ ما در کجاست، و فرهنگ مبتنی بر پایه‌های اصلی ما چگونه - از طریق به‌کارگیری علم - متولد خواهد شد؟ اگر بخواهم جمع‌بندی کنم باید بگویم فیلم‌ساز مستند صنعتی باید اهمیت و موقعیت خود را در چنین جایگاهی ببیند و درک کند. به‌طور خلاصه هنرمندان از چنان پتانسیلی برخوردارند که می‌توانند برای رفع مشکلات ساختاری گریبانگیر صنعت ما، به کمک دانشمندان و مدیران صنایع بیایند. اما آیا در عمل چنین

کردند و حق مأموریت خود را هم گرفتند. در آن دوران این معضل را با فرماندهان مربوط مطرح کردم که این‌گونه خدمات را به پای «ایثار» و «شهادت‌طلبی» نگذارید، زیرا بعد از خاتمه جنگ با هزینه‌های زیادی بابت این‌گونه ایثارگری‌ها متقبل خواهید شد. اما اثری نداشت. این، یک مثال ساده بود از آغاز کار با می‌دانم در حالی‌که هنوز معنای ایثار دانسته نشده بود.

نظیر چنین استدلالی را درباره موضوع بحث ما می‌توان به‌کار برد و متوجه شد که بدفهمی‌هایی از این قبیل که فیلم مستند تبلیغی از فلان کارخانه و یا مصور کردن یک سری مدرک را به‌عنوان فیلم مستند صنعتی، قلمداد کردن تا حدود زیادی ناشی از همین آغاز کار با می‌دانم است. واقعیت این است که برای ورود عرصه فیلم مستند صنعتی، شناختی و معرفتی در باب خود صنعت و رابطه آن با مقولاتی از قبیل فرهنگ، علم و تکنولوژی هم باید داشت. فرهنگ مقوله ساده‌ای نیست و مجموعه‌ای از رفتارها، اخلاق، هنجارها، اندیشه‌ها و غیره را در برمی‌گیرد. صنعت، علم و تکنولوژی، به نسبت‌های مختلف با فرهنگ در تناسب و تعامل قرار می‌گیرند. زمانی انسان برای کندن زمین جز پنجه‌هایش ابزار دیگری نداشت، بعد از کشف این حقیقت که سنگ‌های تیز ابزار مناسب‌تری برای این کار است از پنجه‌هایش به‌منظور دیگری استفاده کرد و با اختراع بیل، باز هم امکان یافت که از دست‌هایش بهتر استفاده کند و با اختراع بیل مکانیکی دیگر کمتر با دست‌های پینه‌بسته کارگران مواجه می‌شویم. در این مسیر تاریخی، می‌بینیم که آنچه که باعث شده رفتاری هم‌چون کندن زمین با ناخن و پنجه‌ها را کنار بگذاریم، صنعت است. در یک بیان کلی این بحث ارتباط متقابل و سلسله مراتبی علم، تکنولوژی، صنعت و فرهنگ را چنین

است؟

صنعتگران و مدیران صنایع ما ادعایی در باب هنر ندارند، اگرچه مدیریت اگر از هنر استفاده نکند، وظیفه مدیریتی خود را به درستی نشناخته است. هنر از درون خلاقیت تراوش می‌کند و مدیر اگر بتواند چنین خلاقیت‌هایی داشته باشد، همواره تنها بهترین نگهبان یک مجموعه صنعتی به‌شمار خواهد آمد و نه پدیدآورنده آن. با این همه نقص و کاستی مدیران از باب خلاقیت بیش‌تر به حیظه کاری خودشان برمی‌گردد، اما هنرمندان فیلم‌ساز (با آن اهمیتی که در بالا برای‌شان برشمردم) به واسطه این‌که در هنر تخصص یافته‌اند، باید که بتوانند جایگاه فیلم مستند را در صنعت به‌خوبی تعریف کنند.

هنرمند به‌جای این‌که به‌کار دوربین‌های فیلم‌برداری (که روز به روز پیچیده‌تر و هوشمندتر می‌شوند) اسم کار هنری بگذارد، باید با توسل به نیروی خلاقه‌اش به دنبال خلق و تجلی دادن (به) چیزی برود که من - به‌عنوان مدیر صنعتگر - نمی‌دانم و نمی‌شناسم. بنابراین فیلم‌ساز هنرمند باید از ابزارهای تولید فیلم هر اندازه هوشمند فاصله بگیرد و با کل مجموعه صنعت - از مدیر گرفته تا نیروی انسانی و نظامات و تکنولوژی‌ها - وارد چالش بشود. در صورت وجود چنین چالشی، صنعتگر و مدیر صنعتی می‌داند که چگونه به هنرمند اطلاعات بدهد و خواست‌های خود را چگونه از هنرمند بخواهد - و در نهایت هم این هنرمند باید به یک خواست و یک نیاز، پاسخ شایسته بدهد. من فکر می‌کنم پاسخ شایسته در این معنا عبارت از آن است که او بیاید آن چیزی را که دارد در لابه‌لای صفحات تاریخ گم می‌شود - و چه بسا ما هم به‌درستی آن را نمی‌شناسیم - متجلی کند و خلق کند. این جانب در فولاد مبارکه تجربه‌های زیادی داشتم که پس از من مدفون خواهد شد،

**هنرمندان مستند از چنان پتانسیلی برخوردارند که می‌توانند برای رفع مشکلات ساختاری گریبانگیر صنعت ما به کمک دانشمندان و مدیران صنایع بیایند**

و هنرمندی که می‌خواهد فیلم صنعتی - با آن تعریفی که مدنظر ماست - بسازد، باید با من به چالش بنشیند و مرا به تقاضای تجلی دادن چیزهایی که در پس ذهن من هست برساند و در مقام پاسخ به این تقاضا، آن چیزها را متجلی کند.

در این جا می‌تواند متوجه یک نقص اساسی هم شد که متأسفانه ما را به ابتدای بحث برمی‌گرداند و آن همانا آغاز کار است با می‌دانم و طولانی شدن پروسه غلبه بر نمی‌دانم. و از جهتی می‌تواند معلول همین پدیده هم باشد؛ و آن همانا ضعف گفتمان لازمی است میان هنرمندان و صنعتگران. یکی دانسته شدن فیلم‌ساز با دوربین و ضعف چالش‌های سودمند میان هنرمند و صنعتگر، سبب می‌شود تفاهم لازم میان این دو سر طیف به آسانی پدید نیاید. نظر من این است که حرکت‌هایی مثل این همایش که امسال برای دومین بار برگزار می‌شود، باید از حالت همایشی یک روزه در هر یک سال بیرون بیاید، و دارای یک دبیرخانه

در عرصه مصداق‌ها اگر بخواهیم حرکت بکنیم و صرف‌نظر از دارایی‌های سینمای مستند صنعتی ایران، اگر تنها به فیلم‌های مستند بخش مستند صنعتی همین جشنواره (سومین جشنواره جهانی فیلم کوتاه اصفهان) نظر بیفکنیم، نظریه ما به‌عنوان هیئت داوران این بود که هیچ‌یک از فیلم‌های راه یافته به بخش مسابقه، فیلم مستند صنعتی نیست. حتی فیلمی هم که جایزه اول را دریافت کرد (سنگ، آهن، اراده). حتی داشتیم به این نتیجه می‌رسیدیم که به هیچ فیلمی جایزه اعطا نکنیم. منتها به منظور تشویق، بنا را بر این گذاشتیم که با برخورد مثبت به آن دسته از فیلم‌ها که به اهداف و نگرش ما نزدیک‌تر بودند، جایزه بدهیم. در واقع آن‌چه در این جشنواره‌ها و گردهمایی‌ها اهمیت بیشتری دارد، بازماندن باب بحث و اندیشه منسجم‌تر و تلاش برای رفع مشکلات شناختی است. که خوشبختانه به‌نظر می‌رسد عزم کافی برای این کار به‌وجود آمده است.

### تشریح یک نکته ضروری

حال می‌خواهم توجه مخاطبان را به یک نکته مهم جلب کنم؛ چرا تا به این حد به دوری از فیلم‌سازی تبلیغی در صنعت تأکید می‌کنم؟ واقعیت این است که خود صنعت و ابتلائات آن، آن‌قدر نکات گرهی و مسائل و تضادها و ناشناخته‌ها در درون خود دارد، که نیازی به تبلیغ مستقیم برای طرح مسائل ندارد. صنعت و به‌ویژه صنایع مادر و کلیدی ما، آن‌هم در کشوری که هنوز بسیاری از زیرساخت‌های آن تکمیل نشده، دنیایی از رازهای نگفته است که تجلی دادن آن‌ها به زبان فیلم برای هر بیننده‌ای جذاب است و در صورتی که درست پرداخت شود، هر پخش‌کننده‌ای اعم از تلویزیون و یا پخش‌کنندگان دیگر خواهان آن خواهند بود. به این دلیل است که من تأکید

دائمی بشود که این مقولات را در گفتمانی همه جانبه به بحث بگذارند تا از مرحله نقصان‌شناختی موجود، هر چه جامع‌تر و سریع‌تر عبور کنیم. این دبیرخانه می‌تواند علاوه بر تعریف درست و علمی مستند صنعتی، به دستورالعمل‌هایی برای تولید فیلم صنعتی برسد. به‌طور قطع در جامعه هنری-صنعتی جهان پیش‌رفته، نرم‌افزارهای زیادی وجود دارد که می‌تواند به نیازهای ما پاسخ بدهد. نباید نگران بودجه چنین کارهایی بود، منابع مالی به‌سراغ کارهایی می‌رود که منفعتی عاید کند. با دائمی کردن دبیرخانه و فعالیت آن، منفعت فیلم مستند صنعتی هم روشن خواهد شد و به تبع آن ذینفع ما هم پیدا خواهند شد و سرمایه‌گذاری هم خواهند کرد، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی. این یک اصل اقتصادی است. مشکل این است که آن چیزی که اسمش را گذاشته‌ایم مستند، بیش‌تر یک کالای تبلیغی است. من همیشه گفته‌ام ما نمی‌توانیم یک چیز را در خلاء نگه داریم، شما هر محفظه‌ای را اگر از اکسیژن پر نکنید، از گازکربنیک پر می‌شود، جنگل را هم اگر از شیر خالی کنید، جایش را موش‌ها می‌گیرند و ادای شیر را درمی‌آورند! نسبت کالای تبلیغی صرف و مستند صنعتی منظور نظر ما، مثال نسبت موش و شیر است و درست‌ترین راه برای خالی کردن عرصه از موشان، تبیین درست واقعیت شیر است و این، مسئله‌ای نیست که لاینحل باشد؛ منتها مشکل اساسی، همواره این بوده که مجالی برای طرح نمی‌دانم‌ها، برای طرح ضرورت چه می‌دانم‌ها و تلاش بهینه برای رفع این نقیصه‌ها، یا وجود نداشته و یا حرکت‌ها در این جهت، به حد کافی هدفمند و سازمان‌یافته نبوده است. این است که یک بار دیگر بر ضرورت دائمی کردن دبیرخانه این همایش و حرکات بایسته در این جهت، تأکید می‌کنم.

می‌کنم در فیلم مستند صنعتی نیازی به تبلیغ و بزرگ کردن یک فرد، یک وزارت‌خانه و یا یک شرکت نیست - که باعث دوری رسانه‌هایی هم‌چون تلویزیون سراسری از این گونه فیلم‌ها می‌شود - و لابد این چنین کوچک شمردن فیلم مستند صنعتی، برای آدم‌های منفعت‌طلب، منافع بسیاری هم دارد!

شما الآن بروید به عسلویه و یا به سرخس، می‌بینید بسیاری از پدیده‌های مدیریتی که در آن‌جاها به صورت یک کار روتین درآمده، برای نخستین بار در فولاد مبارکه، در همان سال‌های ۶۱ به بعد اجرا شده است. ما قبل از ساخته شدن فولاد مبارکه تجربه‌های چند دهه‌ای در صنایع نفت، برق، سیمان و سدسازی، در کشور داشته‌ایم، اما مشاهده می‌کنیم که با احداث فولاد مبارکه بوده که این تجارب متمرکز شده و به صورت موازینی استوار در ایجاد و توسعه صنعت به کار گرفته شده است؛ در حالی که تجارب بیش از پنجاه ساله صنایعی مانند نفت، برق، سیمان و غیره تا پیش از فولاد مبارکه، به توسعه درون‌زا نینجامیده بود. حتی صنایع مهمی مانند ماشین‌سازی اراک، آذراب، سدید و غیره، تا آن زمان تنها کارگاه‌های ماشین‌افزار بودند، شرکت‌های مهندسی مشاور هم در اندازه‌ای نبودند که بتوانند یک خط تولید ساده را طراحی کرده و به سامان برسانند. اما اکنون چندین شرکت مهندسی مشاور سطح بالا و چندین کارخانه ماشین‌سازی داریم. بعد از سال‌ها و البته با کار فراوان (از سال ۸۲ به بعد) کشور ما به این حد رسیده که بتوان طرح‌های بزرگ مانند طرح‌های حوزه گاز پارس جنوبی را به شرکت‌های مهندسی داخلی سپرد. این شرکت‌ها که تعداد آن‌ها به ۱۰۰ شرکت می‌رسد درجه‌بندی EPCMF را دارا هستند. این درجه‌بندی معیاری برای شناسایی پیمانکارانی است که توانایی اجرای

صنعت و به‌ویژه صنایع مادر و کلیدی ما آن هم در کشوری که هنوز بسیاری از زیرساخت‌های آن تکمیل نشده، دنیایی از رازهای ناگفته است که بیان آن‌ها به زبان فیلم مستند برای هر بیننده‌ای جذاب است

کلیه کارهای مهندسی (Engineering)، تدارک (Procurement)، ساخت (Construction)، مدیریت (Managing) و تأمین مالی و بودجه‌ریزی (Financing) را در اجرای کامل پروژه‌های بزرگ صنعتی دارا هستند. خود امر ریشه‌یابی در این باب که چه شد کشور ما که از ساخت یک پیچ و مهره استاندارد عاجز بوده، اکنون دارای ده‌ها شرکت دارای درجه‌بندی فوق می‌باشد، موضوع یک رشته کار تحقیقی مستند صنعتی است. و در صورتی که این تحول به خوبی در زبان سینما تجلی پیدا کند، جذابیت فراوانی برای مخاطب خواهد داشت.

### کلام آخر

در انتها یک نکته هم‌چنان ناگفته باقی می‌ماند و آن یک نقص فرهنگی است، و به دلیل این‌که به آسانی و به این زودی قابل رفع نیست، ناچارم از کنار آن بگذرم و

**مهدی حجت**

متولد ۱۳۲۸ تهران

فوق لیسانس معماری دانشگاه تهران

دکترای معماری دانشگاه یورک انگلستان

مدیرعامل تئاتر شهر ۱۳۵۸-۱۳۵۷

معاون امور برنامه‌های صدا و سیما

مدیر امور سینمایی کانون پرورش فکری ۱۳۵۹-۱۳۵۸

معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی

بنیان‌گذار و رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور

۱۳۶۴-۱۳۷۰

رئیس شورای سازمان اسناد ملی کشور

مدرس رشته معماری دانشگاه تهران

**محمد علی شهریار**

متولد ۱۳۳۵، شیراز

دارای درجه کارشناسی ارشد متالوژی از دانشگاه شیراز

استخدام در شرکت فولاد مبارکه از سال ۶۱ تاکنون.

مشاغل و مدیریت‌ها:

مدیر اجرایی واحد فولادسازی و ریخته‌گری

مدیر متالوژی و مهندسی صنایع

معاون شرکت فولاد مبارکه در امور تکنولوژی

مهندس شهریار در ده‌ها سمینار ملی و بین‌المللی

مقالاتی در زمینه تجربه‌های موفق شرکت ارائه کرده است.

**محمد رضا اصلانی**

متولد ۱۳۲۲، رشت

فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای تزئینی از دانشگاه هنر

تهران تجربه در زمینه شعر و گرافیک

آموزش کاربردی در زمینه فیلم‌سازی از سال ۱۳۴۴

چاره‌کار را تنها از صاحبان اندیشه و عمل در حیطه فیلم مستند بخواهم. آن این است که یک احساس مالکیت و حس انحصارطلبی در وجود اکثریتی از آدم‌ها نهادینه شده است. فرد در مقام مسئول همواره فکر می‌کند که حیطه تحت اختیار او مال خود او است. این مال کسی بودن و این‌که این کار توسط خود ما و زیر سیطره خود ما انجام شده، ضربه بسیاری به خود کار می‌زند. در نتیجه کار و انجام کار آن اهمیت را ندارد که انجام کار توسط خود ما، این، آن ایثاری است که باید در درون ما باشد تا حقیقتاً پیشرفت کنیم، و نیست. فکر می‌کنم اتفاقی که برای مرکز مستندسازی فولاد مبارکه طی سالیان گذشته افتاد، مثال خوبی برای تبیین این وضعیت باشد. پس از مدیریت این جانب در فولاد مبارکه، این مرکز تا پایین‌ترین حد خود محدود شد. چرا؟ زیرا این مرکز در انحصار شخص نمی‌گنجد و می‌توانست از حیطه مالکیت بیرون برود. اکنون هم که این مرکز پر و بالی گرفته، نه به‌خاطر ارزش کار این مرکز بلکه به دلایل دیگری است که در این مختصر نمی‌گنجد.

در هر صورت، توصیه من به اصحاب فیلم مستند، این است که به‌جای این‌که توان خود را در مبارزه با این نقص فرهنگی بفرسایند، این توان را جمع کنند در راه تعریف درست مستندسازی صنعتی و از آن مهم‌تر بازاریابی برای چنان فیلم مستند صنعتی. باز هم تأکید می‌کنم بر پیشنهاد خودم: دائمی کردن دبیرخانه این همایش و فعال کردن آن در جهت این دو هدف:

اجتماع بر سر تعریف از مستند صنعتی، و بازاریابی برای این نوع از مستند. آن‌وقت خواهند دید که نتیجه کارشان مثل بمب صدا خواهد کرد!



شروع فیلم‌سازی مستند از ۱۳۶۴ با جام حسنلو

دیگر فیلم‌های کوتاه:

ابوریحان بیرونی

بد بده

چنین کنند حکایت

چیغ و...

او هم چنین فیلم سینمایی شطرنج باد را در کارنامه خود

دارد.

سهراب فرسیو

متولد ۱۳۲۶ قزوین

فوق‌لیسانس فرهنگ و زبان‌های باستانی از دانشگاه

تهران

پژوهشگر مرکز تحقیقات سازمان صدا و سیما

سردبیر فصل‌نامه «فرهنگ مردم»

پژوهش فیلم‌های:

آب و آبیاری سنتی در ایران اثر محمدرضا مقدسیان

آخرین حلقه زنجیر اثر خسرو سینایی

قصه کوتاهی چند هزارساله اثر خسرو سینایی

ساخت فیلم مستند بازرگانی دیروز، امروز، فردا

تحسین شده در جشنواره فیلم‌های مستند مسکو به سال

۱۳۷۱

پیروز کلانتری

متولد ۱۳۳۳، تهران

فارغ‌التحصیل مدرسه عالی تلویزیون و سینما

شروع کار هنری با عکاسی

همکاری با مجلات سینمایی از سال ۶۴ با عنوان

نویسنده و منتقد شروع همکاری فیلم‌سازی از سال ۱۳۷۰

با ساخت و تدوین فیلم‌های مستند.

آثار:

فیلم مستند پناهنده

فیلم مستند حکایت باقی

فیلم مستند این فیلم‌ها رو به کی نشون می‌دین؟ کار

مشترک با رخشان بنی‌اعتماد و منوچهر مشیری

فیلم مستند راویان کوچک روستای غریب

فیلم مستند تنها در تهران

فیلم مستند زندگی همین است.

و...

احمد ضابطی جهرمی

تحصیلات: لیسانس کارگردانی سینما و تلویزیون

دکترای پژوهش هنر

ترجمه‌ها و تألیفات:

ترجمه فیلم‌نامه‌های رزمنه‌ها پوتمکین، زمین و...

ترجمه تاریخ سینمای مستند اریک بارنو

پژوهشی در تاریخ سینمای صامت

و...

برگزیده فیلم‌ها:

مهاجرت شبانه

واریاسیون و تم

مجموعه مستند چتر سبز، نخل جهرم

مجموعه مستند کشتی کویر

فیلم مستند بازمانده یوز ایرانی و...

احمد میراحسان

متولد ۱۳۳۳، لاهیجان

فارغ‌التحصیل رشته علوم ارتباطات از دانشگاه تهران

او سال‌هاست که مقالات متعددی در زمینه نقد ادبی و هنری در نشریات گوناگون به چاپ رسانده است. او در سمینار شرق‌شناسی و مدرنیته در آلمان مقاله «این آن دیگر» را ارائه کرد و نظریات جدید او در زمینه سینما در مجلات معتبری چون «کایه دو سینما» به چاپ رسیده است. کتاب «پدیدار و معنا در سینمای ایران» آخرین کار او است.

او چند اثر کوتاه ساخته و اکنون سرگرم ساختن سه فیلم مستند است.

جوایز و افتخارات ادبی:

جایزه بهترین نقد سینما در جشنواره مطبوعات سال ۱۳۸۲ - منتقد سال سینما - منتقد برگزیده در رشته نقد

کتاب هنر و فلسفه سال ۱۳۸۳

منتقد فیلم مجلات تخصصی

کارگردانی فیلم‌های مستند ممنوع، این آن، ورسیون‌هایی

روی اذان، روایت شهر، فرهنگ...

شادمهر راستین

متولد ۱۳۴۳ تهران

فارغ‌التحصیل معماری از دانشگاه تهران

فارغ‌التحصیل فیلم‌نامه‌نویسی از مراکز آموزش

فیلم‌نامه‌نویسی ارشاد اسلامی

فعالیت سینمایی:

مجری طرح و تهیه‌کننده مجموعه‌های تلویزیونی:

مدارس تطبیقی ۱۳۷۴

هفت دریا ۱۳۷۹

جوانان و کار ۱۳۸۰

نویسنده فیلم‌نامه‌های فیلم‌های سینمایی:

این زن حرف نمی‌زند

آفتاب پرست

کارگردانی مجموعه‌های تلویزیونی:

سفر دریایی ۱۳۷۹

بنای اندیشه ۱۳۸۲

کارگردانی فیلم‌های کوتاه داستانی:

چت ۱۳۷۹

کرین ۱۳۸۰

محمدحسن عرفانیان آسیایی

متولد ۱۳۲۵ مشهد

فارغ‌التحصیل مکانیک سیالات از انستیتو تکنولوژی

ایران

همکاری با ذوب آهن اصفهان ۱۳۵۰

مدیرعامل شرکت متامورف

مدیرعامل شرکت سیمان دورود

مجری طرح مجتمع فولاد مبارکه و نخستین مدیرعامل

آن پس از راه‌اندازی از سال ۱۳۶۰

همکاری با بنیاد هنرمندان سوره (حوزه هنری)

رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی فن گستر پارس

مهندس عرفانیان بنیان‌گذار مرکز مستندسازی فولاد

مبارکه اصفهان بوده و نقش چشم‌گیری در تثبیت تفکر

مستندسازی صنعتی در صنایع ایران پس از انقلاب داشته

است.

فرشاد فدائیان

متولد ۱۳۲۶ بابل

فارغ‌التحصیل کارشناسی فلسفه از دانشگاه تبریز

شروع کار هنری از دوران دانشجویی. تمام این کارها

توسط ساواک از بین رفت.

پس از انقلاب با عکاسی از اقوام ایرانی دوباره به کار هنری روی آورد و نمایشگاه‌های زیادی در داخل و خارج بر پا کرد.

از جمله فیلم‌ها:

سنگ مادر خاموش ۱۳۷۶ - ۱۳۶۹

شناسنامه کارخانه‌ای فراموش شده ۱۳۷۱ - ۱۳۶۹

«LAB» ۱۳۷۳

گولش منزل ۱۳۷۵

در مدرسه سید قلیچ ایشان ۱۳۷۶

مسافران کوچک دره بی‌انتها ۱۳۷۷

یک سازه یک سد ۱۳۸۰ - ۱۳۷۵

مرزها ۱۳۸۰-۱۳۸۲

آخرین بخشی ۱۳۸۲

و...

محمدسعید محمصی

متولد ۱۳۳۶ صومعه‌سرا

فارغ‌التحصیل سینما از دانشگاه هنر

همکاری در مشاغل مختلف هنری با مرکز

مستندسازی از سال ۱۳۳۶ تا کنون

همکاری با ماهنامه «فیلم» از ۱۳۶۲ تا کنون

همکاری با دیگر نشریات:

نقد سینما

سینما حقیقت

و...

ساخت فیلم‌های مستند سایه فلز

تحقق فولاد مبارکه

قطره اشکی بر کویر

علم، تجربه، تاریخ

سنگ، آهن، اراده در مرکز مستندسازی

و...

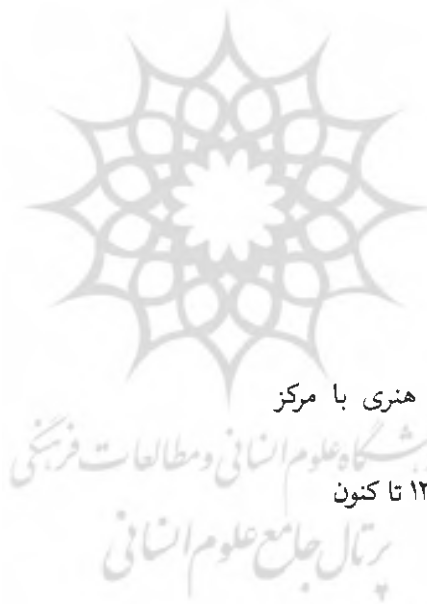
ن مثل نخ، ن مثل نقش

دخترکم، پسرکم

موسیقی خاک

درخت زندگی برای مجموعه‌ای مختلف در شبکه

دو سیما



ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی